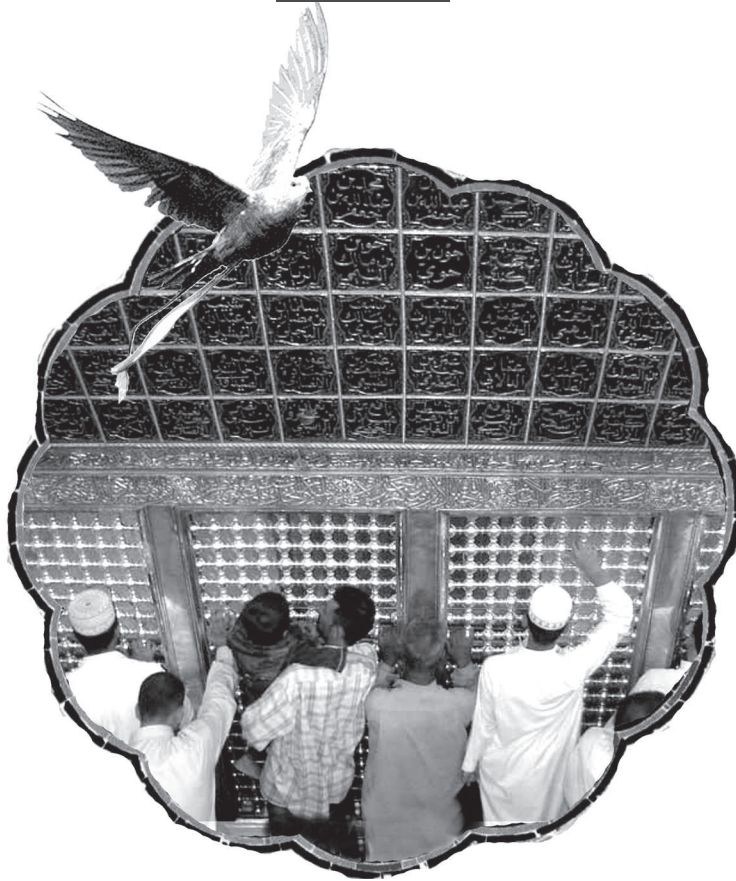


زیارت عتبات در سیره و سخن امام صادق علیه السلام

محمدجواد طبسی



طلیعه

مسئله زیارت معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام، یکی از مسلمات فرهنگ شیعه است و پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام در گفتارهای فراوان خود، بر این مسئله پافشاری کرده‌اند. یکی از امامانی که بر این وظیفه تأکید و سفارش فرموده، امام جعفر صادق علیه السلام است که با شیوه‌های گوناگون، همگان را به زیارت معصومین علیهم السلام، به ویژه امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام، تشویق کرده است.

وی به یکی از ده‌ها موضوع زیارت اشاره کرده، می‌فرماید: زیارت ابی عبدالله بر فقیر و ثروتمند و زن و مرد، به عنوان فریضه و ادای حق امام حسین علیه السلام، لازم و فرض است. سپس امام علیه السلام به فاصله دو زیارت پرداخته، می‌فرماید: شخص دارا و متمکن، باید سالی دو مرتبه و شخص فقیر، سه سال یک مرتبه به زیارت برود. همچنین فرموده که سزاوار نیست مسلمان بیش از چهار سال، زیارت امام حسین علیه السلام را ترک کند و در برخی گفته‌های آن حضرت آمده که اگر سه سال بگذرد و شخص به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نرود، عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و حرمت او را از بین برده است؛ مگر این که معذور باشد. وی به شخصی که از عراق خدمتش رسیده بود، فرمود: شما مردم چقدر جفا می‌کنید؛ زیرا اگر قبر امام حسین علیه السلام نزدیک ما بود، آن جا را محل هجرت خودمان قرار می‌دادیم.

امام صادق علیه السلام در سفرهای اختیاری و یا اجباری که به عراق داشتند، هرگز از زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام، غفلت نکرده، حتی در سفرهای اجباری خود به بغداد، در بین راه، اول به سراغ قبر اجداد خود رفته، سپس نزد منصور عباسی روانه می‌شد.

امام علیه السلام هم دیگران را به زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام تشویق می‌کرد و هم خود مشتاقانه به زیارت این دو بزرگوار می‌رفت.^۱ امید است که پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با مطالعه این نوشته، بیش از پیش نسبت به زیارت اهل بیت علیهم السلام علاقمند شوند و توفیق زیارت پیدا کنند.

امام صادق علیه السلام و حضور در عراق

همان‌طور که ذکر شد، حضرت امام صادق علیه السلام مشتاقانه به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌شتافت، که حتی در سفرهای اجباری به عراق هم هرگز از زیارت

این دو امام بزرگ، غفلت نکرده و در بین راه، اول به سراغ قبر اجداد خود می‌رفت، سپس نزد منصور عباسی روانه می‌شد.

امام صادق علیه السلام در زمانی به زیارت قبر مولی الموحدين می‌رفت که هنوز قبر امیر مؤمنان علیه السلام مخفی بود و آشکار نشده بود و کسی از محل دفن آن حضرت اطلاع دقیقی نداشت؛ پس از رفع موانع، بلافاصله امام علیه السلام به یکی از یارانش دستور داد تا به مرمت و بازسازی قبر امیر مؤمنان علیه السلام پردازد.

امام صادق علیه السلام در سفرهایی که به عراق داشت، بیشتر اوقات، در حیره کنار شهر کوفه سکونت می‌کرد و از همان جا به زیارت قبر امیر مؤمنان و یا امام حسین علیه السلام می‌رفت.

تشویق به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام

بر اساس شواهد تاریخی و روایی، امام صادق علیه السلام چه در آن روزهایی که در مدینه اقامت داشت و چه در روزهایی که به اجبار در عراق، اقامت داشت، بسیاری از یاران خود را به زیارت قبر امیر مؤمنان تشویق می‌کرد و در برخی موارد آنان را بر ترک زیارت، توبیخ می‌کرد که به دو نمونه زیر اشاره می‌کنیم:

۱. سرزنش ابو وهب بصری؛

ابو وهب بصری می‌گوید: وارد مدینه شده، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به او عرض کردم: نزد شما آمدم؛ در حالی که قبر امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت نکرده‌ام. امام علیه السلام فرمود:

بسیار کار بدی انجام دادی و اگر از شیعیان ما نبودی، هرگز به سوی

تو نظر نمی‌کردم. آیا زیارت نمی‌کنی کسی را که خداوند با فرشتگان

او را زیارت می‌کنند و پیامبران و مؤمنان به زیارتش می‌روند؟

گفتم: فدایت شوم! آگاهی درستی نداشتم.

حضرت فرمود:

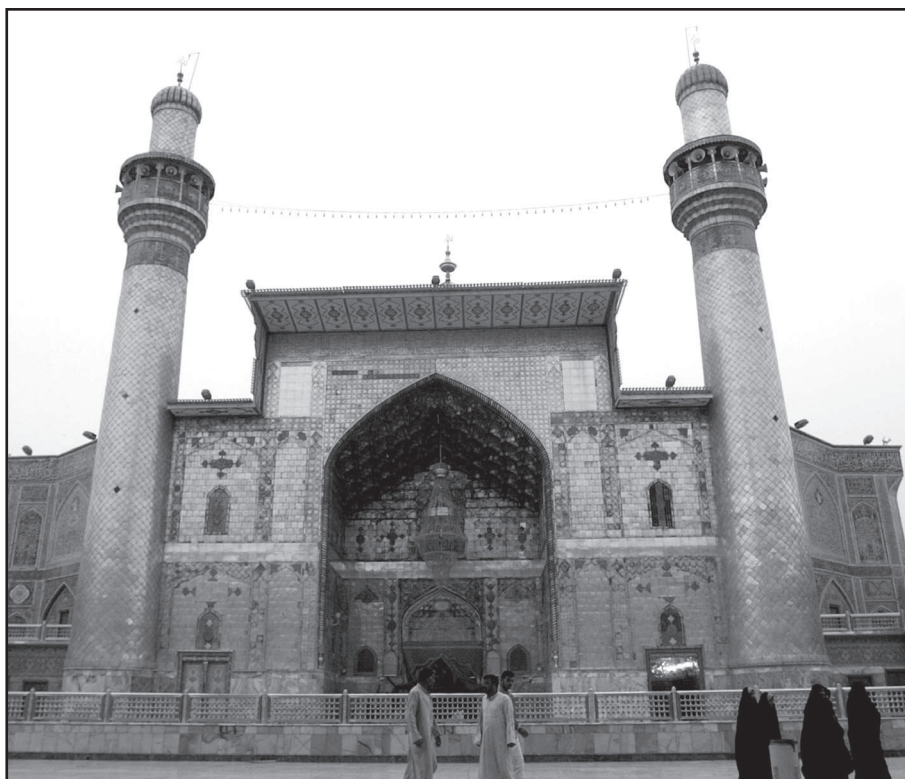
پس بدان که امیر مؤمنان علیه السلام نزد خدا افضل از تمام امامان است و

برای اوست ثواب عمل‌های آنها و به اندازه اعمالش فضیلت و برتری

داده شده است»^۲.

۲. یادآوری به یزید بن عمرو؛

یزید بن عمرو بن طلحه می گوید: در آن روزهایی که امام صادق علیه السلام در حیره بودند، روزی به من فرمود: آیا نمی خواهی آن چه را که به تو وعده دادم، انجام دهم؟ عرض کردم: آری - و وعده حضرت رفتن به سوی قبر امیر مؤمنان علیه السلام بود- پس آن حضرت سوار شد و فرزندش اسماعیل نیز سوار شد و من نیز همراهشان سوار شدم؛ تا این که از ثویّه (مکانی در کوفه) گذشتیم و در ذکوات [تپه های کوچک اطراف قبر امیر مؤمنان] فرود آمد و اسماعیل نیز پیاده شد و من هم پیاده شدم. او نماز خواند و اسماعیل هم نماز خواند و من هم نماز خواندم. امام صادق علیه السلام رو به اسماعیل کرده، فرمود: از جا



بر خیز و به جدّت امام حسین علیه السلام بده. گوید: عرض کردم: فدایت شوم! مگر امام حسین در کربلا نیست؟ فرمود:

آری، اما وقتی که سر مقدسش را به شام بردند، یکی از دوست داران ما، سر مقدس امام حسین علیه السلام را از آن جا برداشت و در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام دفنش کرد.^۳

گریه امام صادق علیه السلام کنار قبر امیر مؤمنان^۴

صفوان بن مهران می گوید:

به همراه امام صادق علیه السلام از قادسیه حرکت کردیم؛ تا این که به بلندی های نجف رسیدیم؛ سپس به من فرمود: این کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناه برد و گفت: به کوهی پناه خواهم برد که از آب مرا نگه بدارد. پس خداوند به نجف وحی کرد که آیا او، از من به تو پناه می آورد؟ این جا بود که کوه فرو ریخت و قطعه قطعه گشته، قسمتی از آن به اطراف شام پرتاب شد؛ سپس فرمود: از راه اصلی فاصله بگیر و به حرکت خود ادامه داد تا به غری رسید.

وقتی که کنار قبر قرار گرفت، نخست بر آدم و بعد بر یک یک پیامبران سلام کرد و من نیز سلام می کردم تا این که نوبت سلام به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. در این هنگام، خود را روی قبر انداخت و بر امیر مؤمنان علیه السلام سلام کرد و گریه اش بالا گرفت؛ سپس از جای برخاسته، چهار رکعت نماز گزارد و من نیز نماز خواندم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قبر کیست؟ فرمود: این قبر جدّم، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

آشکار کردن قبر امیر مؤمنان علیه السلام

تا پیش از دوران امامت امام جعفر صادق علیه السلام، قبر امیر مؤمنان علیه السلام مخفی بود و جز عده اندکی از یاران امامان علیهم السلام، کسی از محل دقیق دفن آن حضرت خبر نداشت و امام زین العابدین یا امام باقر علیه السلام نیز به صورت پنهانی قبر آن حضرت را زیارت می کردند؛

علتش این بود که رفتار خشن و نابخردانه خوارج، به هیچ وجه اجازه نمی‌داد که قبر امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر باشد؛ زیرا ممکن بود جسارتی به ساحت مقدس آن حضرت بشود؛ اما بعدها با فروکش کردن احساسات کینه توزانه علیه امام و تغییر حکومت امویان، دیگر ضرورتی برای مخفی کردن قبر وجود نداشت. از این رو، در روزگاری که امام صادق علیه السلام به عراق احضار شد، وی در سفرهای متعددی، به زیارت امیر مؤمنان رفت و مکان قبر آن حضرت را تعیین کرد و به یارانش نیز مکان قبر را نشان داد.

نشان دادن قبر به عمر بن یزید

عبدالله بن سنان می‌گوید: روزی عمر بن یزید پیش من آمده، گفت: همراهم بر مرکب سوار شو؛ پس سوار شدم و همراه او حرکت کردم؛ تا این که به درب منزل حفص کناسی آمده، او را هم از خانه بیرون آورد، و هر سه نفر به راه افتادیم؛ تا به غری و محل دفن امیر مؤمنان علیه السلام رسیدیم. گفتیم از کجا دانستی که این جا قبر امیر مؤمنان علیه السلام است؟ گفت: آن روزگاری که امام صادق علیه السلام در حیره بود، چند مرتبه همراه وی به این جا آمدم و او به من خبر داد که این جا قبر امیر مؤمنان علیه السلام است.^۵

دستور بازسازی قبر امیر مؤمنان علیه السلام

در سفری دیگر که حضرت امام صادق علیه السلام به اجبار به عراق رفت، پیش از آن که به سوی منصور عباسی برود، هنگام ورود به کوفه، به همراه صفوان به سوی قبر امیر مؤمنان علیه السلام رفته، به صفوان فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدّم، امیرالمؤمنین علیه السلام است و پس از غسل و تغییر لباس‌ها، پای برهنه روانه نجف شدند...

تا این که به تپه‌های اطراف قبر امیر مؤمنان رسیده، با چوبی که در دست داشت، خطی کشید و فرمود: جستجو کن. صفوان می‌گوید: اثر قبری را یافتم و حضرت با مشاهده قبر جدش، امیر مؤمنان علیه السلام اشکش جاری شده، حضرت را زیارت کردند.

صفوان می گوید: به آن حضرت عرض کردم: رخصت دهید اصحاب را از اهل کوفه
خبر دهم و نشان این قبر را به ایشان بدهم. فرمود: آری و چند درهم داد و من قبر را
مرمت و بازسازی کردم.^۶

تشویق به زیارت امام حسین علیه السلام

از بین صدها روایتی که از معصومین علیهم السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده، روایات
امام صادق علیه السلام در تشویق مردم برای زیارت امام حسین علیه السلام از همه معصومین علیهم السلام بیشتر
است که به چند نمونه زیر اشاره می کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام به معاویه بن وهب فرمود:

یا معاویه لا تدع زیارة الحسین لخوف فان من من ترکه رأى من الحسرة
ما یتمنى أن قبره کان عنده؛ ای معاویه! هیچ گاه زیارت امام حسین را
حتی اگر ترس داشته باشی، رها نکن؛ زیرا کسی که ترک کند زیارت
را، حسرت و پشیمانی خواهد دید که آرزو داشته باشد، قبر او نزد
آن حضرت باشد.^۷

۲. وقتی امام علیه السلام شنید که ابان بن تغلب - که یکی از یاران حضرت و یکی از رؤسای عراق بوده
- مدت هاست که به زیارت امام حسین علیه السلام نرفته، او را سرزنش کرده، فرمود:

سبحان الله العظیم و انت من رؤساء الشیعة تترك زیارة الحسین؛ سبحان
الله برای رفتن به زیارت حسین علیه السلام سستی کرده، در حالی که تو از
رؤسای شیعه هستی.^۸

۳. امام علیه السلام به عبدالملک بن مقرن فرمود:

و لئو یعلموا ما فی زیارته من الخیر و یعلم ذلك الناس لا تقتلوا علی
زیارته بالسیوف و لباعوا اموالهم فی اتیانہ؛ اگر مردم بدانند که چقدر
خیر و برکت در زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد هر آینه برای رفتن
به زیارت حضرت، دست به شمشیر می شوند و همچنین اموال خود
را برای زیارتش به فروش می رسانند.^۹

۴. امام علیه السلام به ام سعید که در مدینه قصد زیارت حمزه عموی پیامبر را داشت، فرمود: ما اعجبکم یا اهل العراق تاتون الشهداء من سفر بعید و تترکون سید الشهداء لا تاتونه؛ مایه تعجب از شما مردم عراق است که از راه دور به زیارت شهدا می‌آیید؛ اما زیارت سید الشهداء را ترک می‌گویید.^{۱۰}

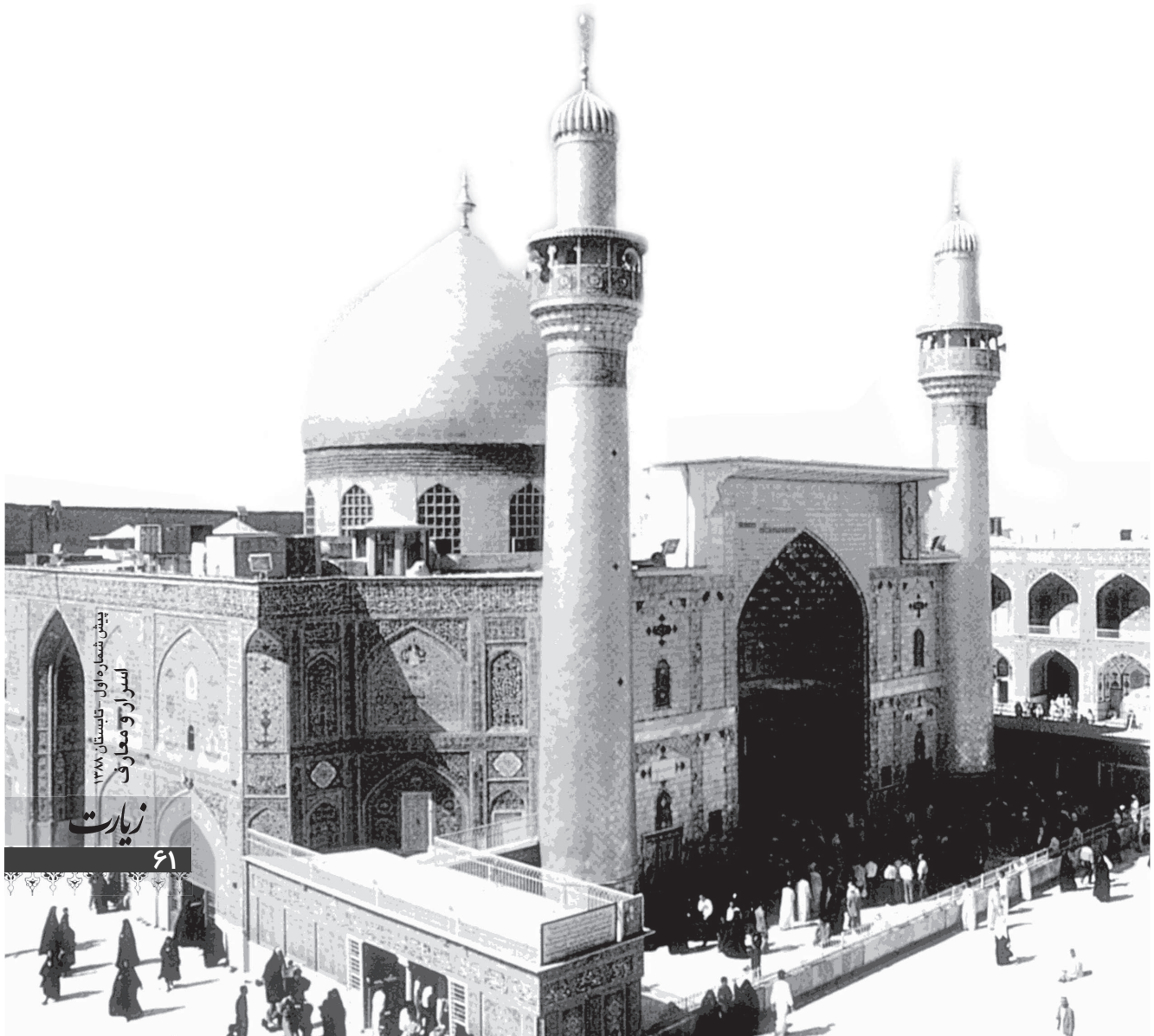
استقبال از زائر امام حسین علیه السلام در نجف

موسیٰ حضر می‌گوید: در اول ولایت و حکمرانی ابو جعفر منصور، امام صادق علیه السلام وارد عراق شده، به سوی نجف رفت و به من فرمود: ای موسیٰ! به طرف راه اصلی رفته، آن جا بمان که مردی از ناحیه قادسیه از راه می‌رسد. وقتی که او به تو نزدیک شد، به او بگو که در این جا مردی از اولاد و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که تو را فرا می‌خواند؛ پس همراهت خواهد آمد.

موسیٰ می‌گوید: به دنبال انجام فرمان امام حرکت کردم؛ تا به راه اصلی رسیدم. مدتی در آن گرمای شدید صبر کردم و نزدیک بود کور شوم و بدین جهت خواستم کار را رها کرده، برگردم. در این هنگام چشمم به شبیحی خورد؛ سپس دیدم که مردی شتر سوار در حال نزدیک شدن است؛ پیوسته به او نگاه کردم؛ تا به من نزدیک شد. به او گفتم: ای مرد! در این جا مردی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که تو را فرا خوانده است. گفتم: مرا به نزد او ببر. موسیٰ می‌گوید: او را به نزد حضرت برده، پس از خواباندن شتر خود، امام صادق علیه السلام او را به درون چادر دعوت کرد.

موسیٰ می‌گوید: مرد عرب داخل خیمه شد و من بر در خیمه ایستاده، سخن هر دو را می‌شنیدم؛ اما آن دو را نمی‌دیدم و می‌شنیدم که امام صادق علیه السلام به او می‌گفت: از کجا آمدی؟ پاسخ داد: از دورترین نقطه یمن. امام فرمود: تو از فلان مکان و موضع هستی؟ گفتم: آری، من از فلان مکان هستم. امام فرمود: برای چه به این جا آمدی؟ گفتم: به قصد زیارت امام حسین علیه السلام آمده‌ام. امام فرمود: هیچ کاری جز زیارت نداشتی؟ گفتم: هیچ کاری ندارم؛ جز این که کنار قبرش نماز بخوانم و زیارتش کنم و سلام

بدهم و برگردم. امام صادق علیه السلام فرمود: چه اثری بر این زیارت می بینید؟ گفت: زیارت او برکت در نفس ما و اهل و کسان و اولاد و فرزندان و همچنین برکت به اموال و دارایی ها خواهد داشت و از آثار و برکات این زیارت، برآورده شدن حاجت های ما خواهد بود.



امام فرمود: ای برادر یمنی! آیا چیز دیگری اضافه نکنم؟ گفت: یا بن رسول الله! به دانستنی هایم اضافه کن. امام فرمود: زیارت امام حسین علیه السلام برابر با یک حج قبول شده است که همراه رسول خدا انجام شده باشد.

مرد یمنی از سخن امام صادق علیه السلام شگفت زده شد و بعد امام فرمود:

آری و الله! دو حج مبرور و قبول شده، همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله مرد یمنی به شدت متعجب شده بود و امام پیوسته تعداد حج قبول شده را بالا می برد؛ تا این که تعداد حجها را به سی حج مبرور و مقبول، همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند.»^{۱۱}

شیوه زیارت امام صادق علیه السلام

در زندگی امام صادق علیه السلام در رابطه با زیارت امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام، دو شیوه ضبط شده است که به شرح زیر می باشند:

۱. توصیه و سفارش؛

امام صادق علیه السلام به حسن بن عطیه چنین توصیه کرد:

هر گاه وارد حائر - حسینی - شدی، نخست چنین بگو: «الله ان هذا مقام اکرمتی به و شرفتی به...» و آن گاه قدری راه رفته، هفت مرتبه تکبیر بگو؛ سپس می گویی: «سبحان الله سبح له الملك و الملكوت...» و آن گاه پنج تکبیر گفته، قدری راه می روی و می گویی: «اللهم ائی بک مؤمن و بوعدک موقن...»؛ سپس سه مرتبه تکبیر گفته، دستها را بالا برده، هر دو را بر قبر امام حسین می گذاری و چنین می گویی: «اشهد انک طهر طاهر من طهر طاهر...» و آن گاه هر دو گونه ات را بر قبر می گذاری؛ سپس می نشینی و آن چه که می توانی، ذکر خدا می گویی و آن گاه به سوی پایین پای حضرت رفته، دستها را بر قبر می گذاری و می گویی: «صلوات الله علی روحک و علی بدنک...»؛ سپس به سوی قبر فرزندش علی رفته، آن چه که دوست داری، اظهار کن و سپس

به سوی قبور شهدا رفته، در حال ایستادن به طرف قبور شهدا چنین بگو: «السلام علیکم ایها الشهداء انتم لنا فرط و نحن لکم تبع...» و آن گاه قبر مقدس امام را در مقابلت قرار ده، هر چه می خواهی، نماز بخوان و بگو: «جئت وافداً الیک و اتوسل الی الله بک...»؛ سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو و عجله نکن؛ سپس چند قدم به طرف قبله راه برو و چنین بگو: «الحمد لله الواحد الموحد فی الامور كلها...» و هفت مرتبه الله اکبر گفته، مقداری راه برو و باز هم به سوی قبله قرار گرفته، چنین بگو: «الحمد لله الذی لم یتخذ ولدًا...» و در آخر فرمود: هر گاه وارد حائر شدی، پس از سلام، صورت را بر قبر بگذار.^{۱۱}

ابن قولویه می نویسد: یونس به امام عرضه داشت، فدایت شوم! می خواهم - امام حسین علیه السلام - را زیارت کنم؛ چه عملی انجام دهم و چه بگویم؟ امام در پاسخ فرمود:

وقتی به سوی قبر ابی عبدالله علیه السلام رفتی، نخست در شاطی فرات، غسل بکن و سپس پاک ترین لباس هایت را به تن کن و قدری راه برو؛ زیرا تو در حرمی از حرم های خدا و پیامبرش می باشی؛ پس زبان به تکبیر و تهلیل و تمجید و تعظیم خدا بگشا و بر پیامبر و اهل بیت طاهرینش فراوان درود فرست؛ تا این که به باب الحسین برسی و چنین بگو: «السلام علیک یا حجة الله و ابن حجة...»؛ سپس ده قدم راه رفته، تکبیر بگو و بایست و آن گاه سی و چهار مرتبه تکبیر بگو و راه برو؛ تا به طرف صورت و پیش روی حضرت برسی؛ به گونه ای که صورت به صورت امام شوی و چنین بگو: «السلام علیک یا حجة الله و ابن حجة...» و سه مرتبه می گویی: «صلی الله علیک یا ابا عبدالله...»؛ سپس از جای برخاسته به سوی فرزندش علی که در زیر پایش می باشد، رفته، می گویی: «السلام علیک یا بن رسول الله...» سپس از جای برخاسته، با دستت به قبور شهدا اشاره کرده، سه

اگر امام حسین علیه السلام را زیارت کردی، در بالای سر آن حضرت، هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام را بر زبان جاری کن و در پایین پای وی، هزار مرتبه تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیهما را بفرست و آن گاه دو رکعت نماز بخوان و در رکعت اول، سوره یاسین و در رکعت دوم، سوره الرحمن را تلاوت کن.

مرتبه می‌گویی: «السلام علیکم» و سه مرتبه می‌گویی: «فزتم و الله...» و آن گاه دور بزن و قبر ابی عبدالله را در مقابل خود قرار بده، شش رکعت نماز بخوان...»^{۱۳}

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که حضرت به یوسف کناسی، معاویه بن عمار، مفضل عامر بن جذاعه، عمار بن موسی ساباطی، ابوسعید مدائنی، حسین بن عطیه و ابو حمزه ثمالی شبیه همین دستورات را داده است؛ مثلاً به یوسف کناسی فرمود:

پس از غسل در فرات، با سکینه و وقار از طرف شرق حائر وارد شو و بر امام حسین علیه السلام و سایر امامان سلام کن.^{۱۴}

و به مفضل ضمن بیان فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام، فرمود:

وقتی که به درب می‌رسی، سلام بده و وقتی که وارد شدی، دست را روی قبر امام حسین علیه السلام بگذار و بگو: «السلام علیک یا حجة الله فی سماءه و ارضه».^{۱۵}

همچنین به ابوسعید مدائنی فرمود:

اگر امام حسین علیه السلام را زیارت کردی، در بالای سر آن حضرت، هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام را بر زبان جاری کن و در پایین پای وی، هزار مرتبه تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها را بفرست و آن گاه دو رکعت نماز بخوان و در رکعت اول، سوره یاسین و در رکعت دوم، سوره الرحمن را تلاوت کن.^{۱۶}

امام در یک سفارش طولانی به ابو حمزه ثمالی فرمود:

هر گاه خواستی به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، نخست سه روز روزه بگیر و آن گاه زن و فرزند را جمع کرده، دعای سفر را بخوان و غسل کن و وقتی که به نینوا رسیدی، روغن نزن؛ سورمه نکش؛ گوشت نخور و به گونه‌ای راه برو که قدم هایت کوچک باشد.^{۱۷}

۲. شیوه عملی

حضرت امام صادق علیه السلام در سفرهایی که به عراق داشت، خودش به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رفت و به دوستانی که حضرت را همراهی می‌کردند، می‌فرمود: شما نیز چنین کنید. صفوان جمال می‌گوید:

در سفری که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به نزد ابو جعفر دوانقی رفتیم، وارد کوفه شدیم. حضرت فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدم امیر مؤمنان علیه السلام است، پس فرود آمد، غسل کرد، جامه خویش را تغییر داد و پاها را برهنه کرد و فرمود: تو نیز چنین کن؛ پس به سوی نجف روانه شد و فرمود: گام‌ها را کوتاه بردار و سر خود را نیز به زیر انداز که حق تعالی برای تو به عدد هر گامی که برمی‌داری، صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه را محو می‌کند و صد هزار درجه تو را بلند می‌کند و صد هزار حاجت تو را برمی‌آورد و برای تو ثواب هزار صدیق و شهید را می‌نویسد.

من به دنبال حضرت به راه افتاده، با آرامش، تسبیح و تهلیل خدا می‌کردیم؛ تا به تپه‌ها رسیدیم. حضرت به طرف راست و چپ نگاه کرد و با چوبی که در دست داشت، خطی کشید و فرمود: جستجو کن. من نیز چنین کردم و اثر قبری یافتم.

این جا بود که آب از دیدگان مبارک امام صادق علیه السلام سرازیر شده، فرمود: انا لله و انا الیه راجعون؛ السلام علیک ایها الوصی البرّ التقی... پس برخاست و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز خواند و فرمود: ای صفوان! هر که زیارت کند امیر مؤمنان را به این زیارت و این نماز را بخواند، برگردد به سوی اهل و کسان خود، در حالی که گناهانش آمرزیده شده باشند و عملش مورد قبول و پسندیده شده باشد و نوشته شود

برای او ثواب ملائکه‌ای که زیارت آن حضرت رفته باشند. صفوان از روی تعجب پرسید: ثواب فرشتگانی که زیارت کنند حضرت را؟
 حضرت فرمود: آری، در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه، آن حضرت را زیارت می‌کنند. صفوان پرسید: هر قبیله چه مقدار هستند؟ امام فرمود: یک صد هزار فرشته.
 حضرت در موقع وداع به پشت بیرون آمده، در اثنای بیرون آمدن می‌فرمود:
 «یا جدا، یا سیداه، یا طیباه یا طاهره لا جعله الله آخر العهد منک و رزقنی العود الیک...»^{۱۸}

مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در زیارت ششم امیر مؤمنان علیه السلام می‌نویسد:
 زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده‌اند که از جمله آنها است شیخ محمد بن المشهدی که فرمود: روایت کرده است محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت: بیرون رفتم با صفوان جمال و جمعی از اصحاب به سوی نجف و امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کردیم و چون فارغ شدیم، صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت: زیارت می‌کنم حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؛ سپس گفت: با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به این جا آمدیم و حضرت چنین زیارت کرد و نماز و دعا خواند که من انجام می‌دهم و به من فرمود:

ای صفوان! این زیارت را ضبط کن و این دعا را بخوان و همیشه حضرت امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام را به این نحو، زیارت کن که من ضامن هستم بر خدا که هر که ایشان را چنین زیارت کند و این دعا را بخواند، از نزدیک یا دور، زیارتش پذیرفته شود و به عملش مزد داده شود و سلامش به ایشان برسد و حاجتش برآورده شود؛ هر چند عظیم باشد.^{۱۹}

نماز در کنار سر مقدس امام حسین علیه السلام

اگر چه سید بن طاووس فرموده که عالمان شیعه معتقدند که سر مقدس امام حسین علیه السلام به کربلا باز گردانده شده و به جسد شریفش ملحق شده است.^{۲۰} و یا علامه مجلسی بر این نظر است که مشهور بین علما این است که سر مقدس امام حسین علیه السلام به وسیله امام سجاد علیه السلام به بدن امام حسین علیه السلام ملحق شده است؛^{۲۱} اما نظرات دیگری هم وجود دارد مبنی بر این که سر مقدس امام علیه السلام در جای دیگری دفن شده است. که از جمله آنها، دفن در کنار قبر مقدس امیر مؤمنان علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

وقتی که عیدالله ملعون سر مقدس امام حسین علیه السلام را به شام فرستاد، یزید آن را به کوفه برگرداند؛ سپس عیدالله گفت: سر مقدس را از کوفه بیرون ببرید؛ تا مردم شیفته و فریفته آن نشوند؛ پس خداوند سر مقدس امام حسین را نزد امیر مؤمنان قرار داد.^{۲۲}

از این رو، امام صادق علیه السلام وقتی که همراه یزید بن عمرو بن طلحه و فرزندش اسماعیل از حیره به زیارت امیر مؤمنان رفت، علاوه بر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، دو رکعت نماز دیگر خواند؛ سپس به فرزندش اسماعیل فرمود: برخیز و بر جدت امام حسین علیه السلام سلام بده.^{۲۳}

و به ابان بن تغلب نیز چنین فرمود:

سر امام حسین علیه السلام در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرده شد.^{۲۴}

همچنین به علی بن اسباط فرمود:

وقتی که به غری رسیدی، دو قبر را مشاهده خواهی کرد؛ یکی بزرگ و دیگری کوچک؛ اما قبر بزرگ که قبر امیر مؤمنان علیه السلام است و اما قبر کوچک، محل دفن سر مقدس امام حسین علیه السلام است.^{۲۵}

نماز و زیارت امام حسین علیه السلام در مسجد حنانه

در نزدیکی های شهر نجف، محلی است به نام حنانه و معنای حنانه، ناله کننده می باشد.

درباره علت این که آن محل را حنانه می نامند، گفته شده که در آن جا نشانه ای بوده که وقتی جنازه امیر مؤمنان علیه السلام را از آن جا عبور دادند، آن نشان به علامت تعظیم، خم شد و بدین جهت آن جا را حنانه نامیدند.^{۲۶}

برخی دیگر گفته اند: وقتی که جنازه امیر مؤمنان علیه السلام به آن مکان رسید، ناله شدیدی از آن مکان شنیده شد و وقتی علت ناله را از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیدند. امام در پاسخ فرمود: چون امیر مؤمنان علیه السلام در شب های تاریک به این مکان می آمد و در آن جا نماز می خواند، بدین جهت، این مکان در فراق امیر مؤمنان ناله کرد.^{۲۷} و گفته شده که وقتی سر مقدس امام حسین علیه السلام را در این مکان گذاشتند، از سر مقدس امام تا صبح ناله شنیده شد.^{۲۸}

مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد: مستحب است که در آن جا امام حسین علیه السلام زیارت بشود؛ زیرا سر مقدس آن حضرت را در آن مکان قرار دادند.^{۲۹} امام صادق علیه السلام به هنگام عبور از این مکان، دو رکعت نماز گزارد و هنگامی که علت آن را جویا شدند، فرمود:

این مکانی است که سر مقدس جدّم امام حسین علیه السلام را به هنگام بردن به سوی عیدالله، در این مکان گذاشتند.^{۳۰}

نماز امام صادق علیه السلام در محل منبر امام زمان علیه السلام

بر اساس شواهد قطعی و روایات موجود، محل حکومت امام زمان علیه السلام، در عراق و در شهر کوفه خواهد بود و به یقین امام برای ملاقات مردم، باید مکان و جایگاه وسیعی داشته باشد و برای خطبه خواندن، به مسجد هزاردری نیاز دارد و در درون آن مسجد، منبری برقرار خواهد بود. این مکان، طبق فرموده امام صادق علیه السلام در بین نجف و کوفه

است؛ یعنی درست در همان جایی که مسجد هزاردربی برای نماز جمعه حضرت ساخته می‌شود.

امام صادق علیه السلام پیشاپیش به هنگام عبور از آن محل، دو رکعت نماز خواند و وقتی برخی علت آن را جویا شدند، فرمود: این جا محل منبر امام زمان علیه السلام است. ابان بن تغلب می‌گوید:

كنت مع ابي عبدالله عليه السلام، فمرّ بظهر الكوفة، فنزل وصلى ركعتين ثم تقدم قليلاً، فصلى ركعتين ثم سار قليلاً فنزل فصلى ركعتين ثم قال: هذا موضع قبر امير المؤمنين عليه السلام. قلت جعلت فداك: فما الموضعين الذين صليت فيهما؟

قال: موضع رأس الحسين و موضع منبر القائم؛ همراه حضرت امام صادق علیه السلام بودم که مسیر خود را به طرف پشت کوفه ادامه داده، پس فرود آمد و دو رکعت نماز خواند؛ سپس قدری جلوتر رفته، دو رکعت دیگر نماز خواند؛ سپس سوار شده، مقدار دیگری به راه افتاد و بار دیگر پیاده شد و دو رکعت نماز گزارد و فرمود: این، جایگاه قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. ابان می‌گوید عرض کردم فدایت گردم! آن دو موضع قبلی چه بود که در آن جا نماز خواندی؟ حضرت فرمود: یکی محل گذاردن سر مقدس امام حسین علیه السلام بود و دیگری محل نصب منبر حضرت قائم علیه السلام.^{۱۳}

مقام‌های امام صادق علیه السلام در عراق

در کربلا و نجف، مقام‌های متعددی برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که برخی از آنها سند روایی دارند و برخی دیگر در بین مردم معروف هستند که کنار حرم امام علی علیه السلام و کنار حرم امام حسین علیه السلام و مسجد حنّانه، جزو این مقامات است.

۱. مقام امام صادق علیه السلام در مسجد سهله

در وسط مسجد سهله مکانی است که معروف به مقام امام صادق علیه السلام می باشد و ممکن است این جا همان مکانی باشد که امام با بشار مکاری، برای آزادی یک زن زندانی در کوفه به آن جا رفته و درخواست آزادی‌اش را از خدا کرده بود. بشار مکاری می گوید:

- روزی - در کوفه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم که طبقی از رطب در مقابل او بود و از آن تناول می کرد و به من فرمود: نزدیک بیا و تناول کن. عرض کردم: گوارای وجود باشد؛ فدایت گردم؛ حال که می آمدم، حادثه‌ای مرا سخت آزار داده، قلبم را به درد آورده و غیرتم را تحریک کرد.

امام فرمود: به حقی که بر تو دارم، از تو می خواهم که پیش بیایی و از این رطب تناول کنی. بشار می گوید: به خواست حضرت نزدیک رفته، مقداری از آن رطب را تناول کردم. امام فرمود: حال ماجرای خود را نقل کن. عرض کردم: مأموری را دیدم که بر سر بانویی می زد و او را به سوی زندان می برد و او نیز با صدایی بلند فریاد می زد: «المستغاث بالله و رسوله» و کسی به فکر آزادی‌اش از دست جلادان نبود. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا با او چنین رفتاری می کردند؟ بشار گوید: شنیدم که مردم می گفتند: او به هنگام رفتن، پایش گیر کرد و بر زمین افتاد و در آن حال گفته بود: «لعن الله ظالمیک یا فاطمة؛ خدا لعنت کند کسانی که به تو ظلم کرده اند؛ ای فاطمه!» و همین سبب شد که این گونه با او رفتار کردند. بشار می گوید: پس امام از خوردن

رطب دست کشیده، آن قدر گریه کرد که دستمال و محاسن شریف و سینه مبارکش پر از اشک شدند؛

سپس فرمود: ای بشار! برخیز با هم به مسجد سهله برویم و از خداوند، آزادی این زن را بخواه و همزمان به یکی از یاران خود دستور داد تا به سوی کاخ خلیفه رفته، بر درب کاخ بماند و آن جا را رها نکند؛ تا فرستاده امام نزدش بیاید و اگر خبری از آن زن به دستش رسید، به سوی مسجد سهله برود.

بشار می‌گوید: به سوی مسجد سهله به راه افتادیم و هر یک از ما دو نفر، دو رکعت نماز خوانده، سپس امام صادق علیه السلام دست خود را به سوی آسمان بالا برده، فرمود: «انت الله لا اله الا انت مبدی الخلق و

در کربلا و نجف، مقام‌های متعددی برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که برخی از آنها سند روایی دارند و برخی دیگر در بین مردم معروف هستند که کنار قبر علی علیه السلام و کنار قبر امام حسین علیه السلام و مسجد حنانه، جزء این مقامات است؛ اگر چه این موارد جزء مقام‌ها به حساب نیامده‌اند.

معیدهم؛ تویی آن پروردگاری که هیچ خدایی جز تو نیست؛ بندگان را آفریده و آنها را برمی گردانی» و بعد به سجده رفت و از آن حضرت چیزی جز نفس کشیدن را نمی‌شنیدیم؛ آن گاه سر برداشت و فرمود: برخیز که آن زن آزاد شد. بشار می‌گوید: هر دو از مسجد بیرون آمدیم که ناگاه همان شخصی را که امام او را به درب کاخ خلیفه فرستاده بود، از راه رسید. امام پرسید: خبر تازه چه داری؟ گفت: آزادش کردند. امام فرمود: چگونه؟ گفت: نمی‌دانم و هم چنان که بر درب کاخ ایستاده بودم، یکی از نگهبانان بیرون آمد و آن زن را فراخواند و به او گفت: تو

چه گفته بودی؟ آن زن گفت: پایم گیر کرده، به زمین افتادم و در همان حال گفتم: «لعن الله ظالمیک یا فاطمة» که دیدید با من چه رفتاری کردند؛ سپس آن نگهبان دوپست درهم بیرون آورده، به آن زن داد و گفت: این پول را بگیر و امیر را حلال کن. آن زن از گرفتن پول خودداری کرد و وقتی که او چنین دید، وارد کاخ شده، صاحب خود را از آن باخبر ساخت؛ سپس بار دیگر بیرون آمد و گفت: به خانه ات برگرد و زن برخاسته، به خانه اش برگشت.^{۳۲}

۲. مقام امام صادق علیه السلام در مسجد کوفه

دومین مقامی که برای امام صادق علیه السلام نقل شده، مقام آن حضرت در مسجد کوفه است. اگر چه به دلیل اهمیت این مسجد شریف، جای جای آن، محل نماز امام صادق علیه السلام بوده است، اما مقامی که برای وی نقل شده، در نزدیکی قبر حضرت مسلم بن عقیل بوده و مشهور به دکه حضرت صادق علیه السلام است.

مرحوم شیخ عباس قمی در بخش اعمال مسجد بزرگ کوفه می نویسد: اعمال دکه حضرت صادق علیه السلام: پس برو به سوی مقام حضرت صادق علیه السلام و آن واقع است در نزدیکی قبر مسلم بن عقیل و آن جا دو رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی بگو: یا صانع کل مصنوع و یا...

۳. مقام امام صادق در وادی السلام نجف

سومین مقامی که برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، مقام امام صادق علیه السلام در وادی السلام نجف است که در کنار مقام حضرت امام زمان علیه السلام قرار گرفته و هر دو مقام در یک ساختمان قرار دارند.

۴. مقام امام صادق علیه السلام در کربلای معلی

چهارمین مکانی که به امام جعفر صادق علیه السلام نسبت داده می شود، مقام امام صادق علیه السلام در کربلاست. این مقام که در پشت مقام حضرت صاحب الزمان علیه السلام و در میان باغها قرار گرفته، از قدیم معروف به مقام امام صادق علیه السلام بوده است؛ گویا امام در موقع سفر

به کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام، ابتدا در آن نقطه مستقر شده، سپس به زیارت مرقد پاک و مطهر امام حسین علیه السلام می رفته اند.

این مقام همانند مقام امام صادق علیه السلام در وادی السلام نجف است که ممکن است یک ریشه تاریخی داشته باشد؛ اما نگارنده به چنین مدرکی دست نیافت.

بی نوشت ها:

۱. طبسی، المقتل الحسيني المأثور، ص ۳۹-۴۶
۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۸۹.
۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸.
۴. کامل الزیارات، ص ۸۴.
۵. کامل الزیارات، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴؛ فرحة الغری، ص ۲۴.
۶. ابن طاوس، فرحة الغری، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۷۹.
۷. کامل الزیارات، ص ۲۷۰.
۸. همان، ص ۵۴۶.
۹. همان، ص ۱۷۶.
۱۰. صدوق، ثواب الأعمال، و عقاب الاعمال، ص ۸۸.
۱۱. ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۴.
۱۲. کامل الزیارات، ص ۳۵۸.
۱۳. همان، ص ۳۶۲.
۱۴. همان، ص ۳۶۷.
۱۵. همان، ص ۳۷۵.
۱۶. همان، ص ۳۸۴.
۱۷. همان، ص ۳۹۳.
۱۸. فرحة الغری، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۷۹.
۱۹. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۶۴۲، (زیارت ششم امیر مؤمنان).
۲۰. اللهوف، ص ۱۹۴، المقتل الحسيني المأثور، ص ۲۳۶.
۲۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵.
۲۲. همان، ص ۱۷۸.
۲۳. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۹.
۲۴. مناقب آل بی طالب، ج ۴، ص ۷۶.
۲۵. کامل الزیارات، ص ۸۴.
۲۶. معالی السبطين، ج ۲، ص ۹۵.
۲۷. همان.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۲۹؛ المقتل الحسين المأثور، ص ۱۹۶.
۳۱. کامل الزیارات، ص ۸۳.
۳۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۹.
۳۳. مفاتیح الجنان، ص ۷۳۱.